

(وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ، وَ شَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ،
فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَاوٍ وَ لَا مُقَصِّرٍ، وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِينٍ وَ لَا
مُعَذِّرٍ، إِمَامٌ مَنِ اتَّقَى، وَ بَصِيرَةٌ مَنْ اهْتَدَى. »

مِنْهَا: وَ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ مِمَّا طَوَى عَنْكُمْ غَيْبَهُ إِذَا لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصَّعْدَاتِ،
تَبْكُونَ عَلَى أَعْمَالِكُمْ، وَ تَلْتَدِمُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ لَتَرَكْتُمْ أَمْوَالَكُمْ لَا حَارِسَ لَهَا
وَ لَا خَالِفَ عَلَيْهَا، وَ لَهَمَّتْ كُلُّ أَمْرِيءٍ مِنْكُمْ نَفْسُهُ، لَا يَلْتَفِتُ إِلَى غَيْرِهَا، وَ
لَكِنَّكُمْ نَسِيتُمْ مَا ذُكِّرْتُمْ، وَ أَمِنْتُمْ مَا حُذِرْتُمْ، فَتَاهَ عَنْكُمْ رَأْيِكُمْ، وَ تَشَتَّتَ عَلَيْكُمْ
أَمْرُكُمْ، لَوَدِدْتُ أَنَّ اللَّهَ فَرَّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ، وَ الْحَقَنِي بِمَنْ هُوَ أَحَقُّ بِي مِنْكُمْ: قَوْمٌ
وَ اللَّهُ مَيَامِينُ الرَّأْيِ، مَرَاجِيحُ الْحِلْمِ، مَقَاوِيلُ بِالْحَقِّ، مَتَارِيكُ لِلْبَغْيِ، مَضُوءٌ قَدُمًا
عَلَى الطَّرِيقَةِ، وَ أَوْجَفُوا عَلَى الْمَحَجَّةِ، فَظَفِرُوا بِالْعُقْبَى الدَائِمَةِ، وَ الْكِرَامَةَ الْبَارِدَةَ
أَمَا وَ اللَّهُ لَيَسْلَطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامٌ ثَقِيفٍ الذِّيَالُ الْمِيَالُ: يَأْكُلُ خَضِرَتَكُمْ، وَ يُذِيبُ
شَحْمَتَكُمْ، إِلَيْهِ أَبَا وَ ذَحَّةَ. أَقُولُ: الْوَذَحَةُ الْخُنْفَسَاءُ، وَ هَذَا الْقَوْلُ يُومِئُ بِهِ إِلَى
الْحَجَّاجِ، وَ لَهُ مَعَ الْوَذَحَةِ حَدِيثٌ لَيْسَ هَذَا مَوْضِعَ ذِكْرِهِ.

در اندرز به یاران

ویژگیهای پیامبر اسلام (ع)

خداوند پیامبر (ص) را فرستاد تا دعوت کننده به حق، و گواه اعمال خلق باشد، پیامبر (ص) بدون سستی و کوتاهی، رسالت پروردگارش را رسانید، و در راه خدا با دشمنانش بدون عذرتراشی جنگید، پیامبر (ص) پیشوای پرهیزکاران، و روشنی بخش چشم هدایت شدگان است.

اندرز یاران

مردم اگر شما همانند من از آنچه بر شما پنهان است باخبر بودید، از خانه‌ها کوچ می کردید، در بیابانها سرگردان می شدید، و بر کردارتان اشک می ریختید، و چونان زنان مصیبت دیده بر سر و سینه می زدید، سرمایه خود را بدون نگهبان و جانشین رها می کردید، و هر کدام از شما تنها بکار خود می پرداختید، و به دیگری توجهی نداشتید. افسوس، آنچه را به شما تذکر دادند فراموش کردید، و از آنچه شما را ترساندند، ایمن گشتید، گویا عقل از سرتان پریده، و کارهای شما آشفته شده است.

تعریف یارانی که به شهادت رسیدند

به خدا سوگند! دوست داشتم که خدا میان من و شما جدایی اندازد، و مرا به کسی که نسبت به من سزاوارترست ملحق فرماید به خدا سوگند! آنان مردمی بودند، نیکاندیش، ترجیح‌دهنده بردباری، گویندگان حق، و ترک کنندگان ستم، پیش از ما به راه راست قدم گذاشته، و شتابان رفتند، در به دست آوردن زندگی جاویدان آخرت، و کرامت گوارا، پیروز گردیدند.

خبر از خونریزی و شکمبارگی حجاج بن یوسف ثقفی.

آگاه باشید! به خدا سوگند پسرکی از طایفه ثقیف (حجاج بن یوسف) بر شما مسلط می‌گردد که هوسباز و گردنکش و ستمگر است، سبزه‌زارهای شما را (اموال و داراییها) می‌چرد و چربی شما را آب می‌کند، ابووذحه بس کن. (وذحه، نوعی سوسک است، چون ماجرای با حجاج دارد، او را (ابووذحه) خطاب فرمود، که اینجا جای آوردن آن نیست (می‌گویند وذحه، سوسک مخصوصی است حجاج را گزید که بدنش ورم کرد و مرد)